

مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات متقابل در پخش

ماهواره‌ای در حقوق بین‌الملل

علیرضا اسلامی کلانتری^۱

^۱دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد

نام نویسنده مسئول:

علیرضا اسلامی کلانتری

چکیده

با وجود اینکه اختلافات بر سر لزوم کسب اجازه قبلی برای پخش تلویزیونی ماهواره‌ای به شدت گذشته نیست، اما محتوای برنامه‌های پخش شده هم چنان واکنش دولت‌ها را در پی دارد. دولت‌ها از طرق مختلف در پی آن هستند که اگر نمی‌توانند جلوی پخش برنامه‌های نامناسب یا غیر قانونی را بگیرند، حداقل نسبت به آن‌ها واکنش نشان دهند و از گسترش پخش چنین برنامه‌هایی، که به تضعیف اقتدار قانونی و ارزشی آنها می‌انجامد، جلوگیری کنند. این ای گوناگونی از اعتراض‌های دیپلماتیک و قطع روابط سیاسی و اقتصادی گرفته تا اقدام به ارسال پارازیت و مختل کردن دریافت برنامه‌ها یا تصویب قانون برای جلوگیری از استفاده از ماهواره‌ها انجام گرفته است. اما این اقدام‌ها خود مسایلی را به وجود آورده است. از جمله، ارسال پارازیت از جانب دولت‌های دریافت کننده برنامه‌های ماهواره‌ای سبب شده دولت‌های دارای فن‌آوری‌های ماهواره‌ای مدعی شوند که ارسال پارازیت سبب اختلال در کل صنعت پخش ماهواره‌ای شده است و آنها نیز به نوبه خود اقداماتی انجام داده‌اند. به این اعمال، رفتارهای متقابل نیز می‌گویند. اقدامات متقابل اعمال یک جانبه‌ای هستند، که بوسیله دولت زیان دیده علیه دولت متخلف و ناقض، به منظور وادار نمودن دولت اخیر به توقف نقض یک تعهد حقوقی بین‌المللی که به دولت زیان دیده متعهد است و یا پرداخت غرامت، اتخاذ می‌شوند. اقدامات متقابل، که فی‌نفسه غیرقانونی هستند، بعنوان واکنش به نقض قبلی تعهدی از سوی دولت متخلف توجیه می‌شوند. چنانچه اقدامات متقابل دارای توجیه قانونی خاص نباشند، خود، نقض تعهدی بین‌المللی خواهند بود. یکی از موضوعاتی که دولت‌ها کم و بیش به اقدام متقابل متوسل می‌شوند، در زمینه پخش برنامه‌های ماهواره‌ای است که از شایع‌ترین این اقدامات، ارسال پارازیت است.

واژگان کلیدی: مشروعیت، اقدامات متقابل، پخش ماهواره‌ای و حقوق بین‌الملل

مقدمه

فارغ از برخی نظرات پراکنده در مخالفت با این موضوع، حقوق بین‌الملل معاصر نیز با این نظر سنتی هم داستان است و صرفنظر از مشکل تحدید حدود هوا و فضا که محدوده این صلاحیت انحصاری را مشخص می‌کند، در اصل مسئله، اختلاف نظر خاصی وجود ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده نیکاراگوئه، صلاحیت انحصاری بر قلمرو هوایی بالای سرزمین را یک اصل حقوقی پذیرفته شده در سطح بین‌المللی می‌داند. به باور دیوان: «اصل احترام به تمامیت سرزمینی یک دولت، با عبور غیرمجاز هواپیمای متعلق به دولت‌های دیگر و استفاده بدون مجوز از حریم هوایی نیز نقض می‌شود».

علاوه بر این، کنوانسیون پاریس به عنوان نخستین سند بین‌المللی در زمینه حقوق هوا نیز بر این اصل مهم صحه گذارده است. در ماده ۱ این کنوانسیون آمده است: «طرفین معظم متعاهد، هریک از اعضای کنوانسیون را صاحب حاکمیت کامل و انحصاری بر قلمروی هوایی بالای سرزمین خود خواهند شناخت».

این باور عمومی دولت‌ها در معاهدات و کنوانسیون‌های بعدی نیز مورد تکرار و تصریح قرار گرفته است. کنوانسیون مادرید (۱۹۲۶)، کنوانسیون هاوانا (۱۹۲۸) و از همه مهم‌تر کنوانسیون شیکاگو (۱۹۴۴) همگی بر حاکمیت انحصاری دولت‌ها بر محدوده هوایی بالای سرزمین شان تأکید دارند. به نظر می‌رسد که حتی پیش از وقوع جنگ جهانی اول نیز این برداشت از وضعیت حقوقی قلمرو هوایی بالای سرزمین در بین دولت‌ها عمومیت داشت. به عنوان نمونه، می‌توان به واکنش هلند در سال‌های پیش از شروع جنگ در اعتراض به عبور هواپیماهای آلمان از فراز خاک آن کشور بدون کسب اجازه قبلی اشاره کرد. (Dodge, 2009, 18-20)

به این ترتیب مشخص شد که موضع حقوق بین‌الملل در رابطه با مفهوم حاکمیت در حقوق هوا کاملاً مشخص و شفاف است و تسلط بی چون وچرای دولت‌ها بر فضای هوایی بالای قلمرو، خود یک اصل پذیرفته شده و استقرار یافته در سپهر حق بین‌الملل به حساب می‌آید.

مشروعیت اقدامات متقابل از منظر اصل حاکمیت

دیدیم که اصل حاکمیت در واقع تجلی اراده ملت در تعیین سرنوشت خود است و این اراده باید از طریق دموکراتیک متجلی شود و با توجه به حاکمیت سایر دولت‌ها و رعایت هنجارهای حقوق بشر اعمال گردد. بنابراین برای بررسی مشروعیت فعل دولت در انجام اقدام متقابل از منظر اصل حاکمیت اولین مساله دموکراتیک بودن دولت است. بدین معنا از منظر هنجاری اگر دولت مشروعیت دموکراتیک نداشته باشد در نتیجه فعل آن صرف نظر از محتوای آن مشروعیت بین‌المللی ندارد.

از این منظر در فرض این که دولت دست به اقدام متقابل بزند برای سنجش مشروعیت آن عمل باید دید آیا اساساً عمل دولت مصدق اراده عمومی ملت است که از طریق انتخابات آزاد، عادلانه و ادواری و توسط مقامات صلاحیت دار و در چارچوب قانون اتخاذ شده است تا بتوان آن تصمیم را مصداق تجلی اراده ملی و از نظر دموکراتیک مشروع شناخت یا خیر.

پرسش دوم این است که آیا عمل دولت ناقض حاکمیت دول دیگر است یا خیر. اگر تصمیم دولت در یک نظام دموکراتیک و توسط مقامات صلاحیت دار دولت در چارچوب قانون اتخاذ شده باشد ولی ناقض حاکمیت دول دیگر باشد مشروعیت بین‌المللی ندارد.

پرسش سوم در بررسی مشروعیت فعل دولت از منظر اصل حاکمیت آن است که آیا عمل دولت ناقض هنجارهای حقوق بشری است یا خیر. اگر عمل دولت ناقض هنجارهای حقوق بشری باشد نمی‌توان آن را مصداق اعمال حاکمیت دانست. زیرا همان طور که دیدیم حاکمیت مشروع دموکراتیک محدود به قواعد حقوق بشری است و این قواعد در واقع سیر محافظ فرد فرد انسان‌ها در برابر ارکان جامعه است و حتی اگر تصمیم دولت در یک نظام دموکراتیک برخاسته از آرای عمومی در چارچوب قانون و با رعایت حاکمیت سایر دول در تناقض با قواعد حقوق بشر باشد نمی‌توان آن را مصداق اعمال حاکمیت مشروع دولت دانست. زیرا دولت خودخواسته قواعد حقوق بشر را به عنوان قواعد برتر از حاکمیت خود پذیرفته و به محدودیت‌های آن تن داده است. حتی اگر خواست دولت مبتنی بر پذیرش این قواعد به عنوان قواعد برتر نباشند. به دلیل عام‌الشمول بودن بر حاکمیت تحمیل شده است؛ لذا قواعد حقوق بشر قواعدی است با اولویت بر قواعد داخلی که حتی دولت دموکراتیک نیز نمی‌تواند این قواعد را نقش نمایند. بنابراین اقدام متقابل دولت در مقام واکنش نسبت به بخش امواج ماهواره‌ای از منظر اصل حاکمیت باید حائز سه شرط باشد:

۱- برخاسته از حاکمیت دموکراتیک و در چارچوب با قانون باشد.

۲- ناقض حاکمیت دیگر دولت‌ها نباشد.

۳- در چارچوب قواعد حقوق بشر باشد. (Melvyn R. Durchslag, 2002, 206)

در ادامه بحث، مشروعیت ارسال پارازیت و تصویب قانون جهت منع استفاده از تجهیزات ماهواره به عنوان در نمونه مورد بحث ما از اقدامات دولت در مقابله با پخش برنامه‌های ماهواره‌ای را منظر اصل حاکمیت بررسی می‌کنیم.

۱) مشروعیت ارسال پارازیت از منظر اصل حاکمیت

دیدیم که برای مشروع بودن اعمال متقابل از منظر اصل حاکمیت، عمل باید سه شرط داشته باشد تا مصداق اعمال حاکمیت باشد. حال ارسال پارازیت را از منظر این سه شرط بررسی می‌کنیم.

الف) اگر ارسال پارازیت بر امواج ماهواره‌ای را فرضاً مجاز بدانیم اولین شرط مشروعیت آن از منظر اصل حاکمیت آن است که توسط مقامات صلاحیت دار، در یک جامعه دموکراتیک و در چارچوب قانون و با پذیرش تمام مسئولیت‌های ناشی از آن صورت گیرد. مفهوم مخالف آن این است که اگر ارسال پارازیت توسط افراد و نهادهایی یا بدون صلاحیت قانونی یا خارج از چارچوب قانون و یا بدون پذیرش مسئولیت‌های ناشی از آن اقدام به ارسال پارازیت نمایند، نه تنها عمل آن‌ها از منظر اصل حاکمیت مشروعیت قانونی ندارد بلکه دولت قانونی دموکراتیک موظف است برای اعمال حاکمیت ملی و حاکمیت مشروعیت قانون ندارد بلکه دولت قانونی دموکراتیک موظف است برای اعمال حاکمیت ملی و حاکمیت قانون مانع انجام این اقدامات بشود. منظور از عبارت پذیرش مسئولیت‌های ناشی از ارسال پارازیت نیز مسئولیت‌هایی است که ممکن است در اثر ارسال پارازیت بر دولت تحمیل شود. مثلاً اگر در سیستم‌های مخابرات یا بیسیم داخل کشور اختلال ایجاد شود یا باعث ایجاد آسیب‌های جسمی بشود دولت مسئولیت عمل خود را بپذیرد. (Michael Stoffregen, 2007, 136)

ب) مسأله دوم آن است که در فرض مجاز بودن ارسال پارازیت باید بررسی کرد آیا این عمل ناقض حاکمیت دول دیگر است یا خیر. در اینجا باید قائل به تفکیک شد. اگر عمل ارسال پارازیت به نحو طولی باشد به گونه‌ای که ارسال و دریافت امواج ماهواره‌ای کاملاً مختل شود، در این صورت عمل دولت ارسال کننده پارازیت، مصداق نقض حاکمیت دول ثالث تلقی شده و نمی‌تواند مصداق اعمال حاکمیت باشد. در مورد وضعیت نشت امواج پارازیت به دول ثالث در فرض مشروعیت ارسال پارازیت نیز دولت ارسال کننده پارازیت مسئول نقض حاکمیت دول ثالث تلقی می‌شود. برای مثال در زمان جنگ ایران و عراق که هر دو دولت اقدام به ارسال پارازیت روی برنامه‌های یکدیگر می‌نمودند، دول حاشیه خلیج فارس که پخش و دریافت برنامه‌هایشان با اختلال مواجه شده بود اقدام به طرح شکایت و حتی طرح دریافت غرامت نیز نمودند. (Michael Stoffregen, 2007, 138)

اما فرض دیگر آن است که پارازیت‌ها به نحو عرضی و به گونه‌ای ارسال شود که فقط شهروندان داخل مرزهای ملی و دریای سرزمینی که حاکمیت ملی دولت بر آن اعمال می‌شود. در دریافت برنامه ماهواره‌ها با اختلال مواجه شوند. به نظر می‌رسد با فرض رعایت شروط پیش گفته توسط دولت، این فرض مصداق نقض حاکمیت دول‌های ثالث نیست مگر آنکه اثبات شود دولت ارسال کننده پارازیت تعهد دیگری نسبت به دول ثالث دارد که با ارسال پارازیت در داخل مرزهای خود در این تعهد نسبت به ثالث را نقض کرده است.

ج) مسأله سوم آن است که آیا ارسال پارازیت در چارچوب قواعد حقوق بشر صورت می‌پذیرد تا آن را در صورت احراز سایر رابط مصداق اعمال حاکمیت ملی دولت ارسال کننده دانست و با این که تناقض قواعد حقوق بشر و به تبع آن خارج از مشروعیت اعمال حاکمیت قرار می‌گیرد. این موضوع که آیا از منظر قواعد حقوق بشر ارسال پارازیت مشروعیت دارد یا خیر در مباحث آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد اما در این قسمت به قدر مسلم می‌توان گفت در صورتی که ارسال پارازیت عمل ناقض حقوق بشر باشد با توجه به پیوستگی و رابطه تنگاتنگ حقوق بشر و حاکمیت که در مقدمه بحث مفصلاً به پرداخت شد، می‌توان ادعا کرد که ارسال پارازیت مصداق اعمال حاکمیت نیست. (Michael Stoffregen, 2007, 140)

۲) مشروعیت تصویب قانون برای جلوگیری از استفاده از تجهیزات ماهواره از منظر اصل حاکمیت

در این قسمت تصویب قانون برای جلوگیری از استفاده شهروندان از تجهیزات ماهواره‌ای را به محک اصل حاکمیت می‌بریم. سه معیار پیش گفته در بحث مشروعیت اقدامات متقابل از منظر اصل حاکمیت در این بحث نیز مصداق پیدا می‌کنند. تحت آن که تصویب قانون و محدود کردن دسترسی فرد طبق قانون در صورتی که در یک جامعه دموکراتیک یا انتخابات ادواری عادلانه و آزاد در چارچوب قانون و توسط مقامات صلاحیت دار انجام پذیرد. به نظر می‌رسد به خودی خود ناقض حاکمیت دول‌های دیگر نیست. و مشروط به شرایطی می‌تواند مصداق اعمال حاکمیت دولت باشد. مسئله قابل طرح در این قسمت، رویکرد و استدلال طرفداران و طراحان تصویب این قانون در ایران است. یکی از نظریه پردازان با این استدلال که «اگر چه شخصیت حقوقی دولت مستقر در یک واحد سرزمینی مشخص و معینی است و متعلق به همان ملت و یا گروه انسانی است. اما نهادی است متفاوت از ملت و در طول آن قرار دارد و نه در عوض آن، ضرورت وجود ستاد

دولت برای رسیدن به آمل و آرزوهای ملت اگر چه روشن است اما می‌تواند در مواردی نیز با توجه به اختیارات اعطایی به آن گام‌های مخالف با خواست مردم اما در راستای سعادت و تکامل کلی جامعه خود قدم بردارد. (Laliv, Pierre, 2000, 30) اگر درخواست اجرای اوامر الهی را برای مردم حق می‌دانیم. در نهایت می‌توان این گونه اظهارنظر کرد که مردم می‌توانند از دولت بخواهند تا آن‌ها را در مقابل هر برنامه مخرب از جمله برنامه‌های میتنزل ماهواره‌ای حمایت کند. (Laliv, Pierre, 2000, 36) و نیز «اگر ملتی به سوی نابودی قدم برداشت و در صدد محو راه‌های تکامل بر آمد دولت مربوطه می‌تواند آنان را از این کار بازداشته و حتی ممنوعیت‌هایی را نیز مقرر دارد.» چنین نتیجه گرفته است که بدیهی است که این اقدام بازدارنده (تصویب قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات از ماهواره) از اقدامات داخلی حاکمیت بوده که در چارچوب و قلمرو کشور صورت گرفته است. هر چند ممکن است وضع محدودیت‌های قانونی در چارچوب شروط گفته شده در راستای اعمال حاکمیت باشد ولی اگر قائل به تفکیک غیر دموکراتیک دولت و ملت باشیم و تصویب قانونی را علی‌رغم خواست مردم (هر چند این خواست مردم مشروعیت الهی نداشته باشد) مانند نمونه ذکر شده حق دولت بدانیم؛ در صورتی که دولت بر این اساس اقدام به قانونگذاری نماید، نتیجه حاصله را به این دلیل که حاصل یک فرآیند دموکراتیک نبوده نمی‌تواند اعمال حاکمیت مشروع دموکراتیک نامید، هر چند اجرای قانونی نیز بر خوردار باشد. (Leboulanger, 2014, 399)

مشروعیت و محدودیت‌های پارازیت از منظر حقوق بشر

اصل جریان آزاد اطلاعات

اصل جریان آزاد اطلاعات با نظریه آزادی اطلاعات با تحولات قرن بیستم و ظهور وسایل ارتباط جمعی مدرن پا به عرصه جهان نهاد و به عنوان اصلی بین‌المللی مطرح گردیده است و بایستی اشاره داشت: آزادی اطلاعات حقی اساسی است و ایجاد آن برای حصول، تشویق و افزایش آزادی افکار و نظریات بدون دخالت دیگران و نیز، تحقق و دریافت اطلاعات و نظریات به هر وسیله بلامانع و بدون توجه به مرزها بوده و شامل آزادی و دسترسی به پیشرفته‌ترین امکانات و گسترده‌ترین منبع اطلاعات و نیز مسافرت به جهت آن (اخذ اطلاعات) و نیز حفظ منابع آن می‌شود.

اصل جریان آزاد اطلاعات یک رابطه تنگاتنگی با موضوع ارتباطات دارد و به طور کلی می‌توان گفت این اصل مهم‌ترین عضو موضوع ارتباط است که حق ارتباط را به عنوان حق کسب و نشر اخبار و اطلاعات تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

در این بخش بر آنیم تا اصل جریان آزاد اطلاعات را به طور کامل با بررسی اسناد و کنوانسیون‌های موجود در این رابطه و تحولات بین‌المللی که برای احیای آن صورت گرفته است، را اشاره کنیم و به عنوان مبنا و پایه بحث رویه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یونسکو به عنوان تأثیرگذارترین سازمان بر این تحولات را اشاره می‌کنیم و همچنین رویه دولت‌های مختلف و کنفرانس‌هایی که برای تثبیت آن برپاگشته است را اشاره نموده تا هر چه بهتر و با صراحت بیشتری این اصل را معرفی نماییم.

اطلاعات یعنی دانش به هر شکل انتقال پذیر. به بیان دیگر اطلاعات می‌تواند هر قالب و شکلی بپذیرد، مادامی که ضرورت انتقال پیام از طریق مسیر و مجرای تشخیص پذیر مطرح باشد. اطلاعات، گرد آوری، ذخیره، پرورش و انتشار اخبار، حقایق و عقاید لازم برای رسیدن به حرکتی آگاهانه از وضعیت فرد، جامعه و شرایط ملی و بین‌المللی و اتخاذ تصمیمات مناسب بر اساس آن و یا اطلاعات اساساً علائم و پیامدهای تنظیم شده‌ای است که در یک جهت و از یک منبع به یک دریافت کننده ارسال می‌شود.

پس از پیدایی اطلاعات یکی از مهمترین نتایج، نشر و پراکندن آن است و وقتی قائل به نشر و پراکندن شویم کسب و دریافت آن نیز موضوعیت می‌یابد و کسب و نشر اطلاعات به صورت یک حق، به صورت آزادی اطلاعات جلوه پیدا می‌کند که بدان جریان آزاد اطلاعات یا آزادی اطلاعات می‌گوئیم. در این فصل اصل جریان آزاد اطلاعات را به عنوان ورود در موضوع و مهمترین اصل در کل مباحث، به توضیح می‌پردازیم و به حق ارتباط به عنوان زیربنای آن اشاره می‌داریم.

۱- نظریه جریان آزاد اطلاعات در پرتو آزادی اطلاعات

بایستی اشاره کنیم آزادی اطلاعات به طور ضمنی حق جمع آوری ارسال و انتشار اخبار در هر جایی بدون قید و شرط در خود دارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ اعلام داشت: «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری و سنگ بنای تمامی آزادی‌هایی است که سازمان ملل متحد بر آنها تأکید داشته است. آزادی اطلاعات مستلزم عامل ضروری تمایل و امکان استفاده از امتیازات آن بدون سوء استفاده است. این امر مستلزم نظم بنیادی تعهدات اخلاقی مربوط به دستیابی حقایق بدون تعصب و پخش دانش بدون مقاصد پلید است.»

آزادی عقیده و بیان که حق کسب و نشر آزادانه اخبار و اطلاعات که به جریان آزاد اطلاعات تعبیر می‌شود، لوازم آن است، اعلامیه جهانی تمامی صور نابردباری و تبعیض بر پایه مذهب و عقیده یکی از حقوق اساسی بشر شمرده می‌شود.

اصل جریان آزاد اطلاعات و یا به بیانی رساتر، حقوق فرهنگی، یکی از اقسام حقوق بشر و آن حق کسب و نشر آزادانه اخبار و اطلاعات است. طبق نظریه جریان آزاد اطلاعات با نظریه «آزادی اطلاعات» دولت‌ها مبادرت به ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای می‌نمایند و عمل خود را مجاز می‌دانند. طبق این نظریه، هر شخص حق دارد تا به کلیه اطلاعات دست یافته با اطلاعاتی را برای دیگران ارسال کند. عده‌ای معتقدند که این اصل، دنباله همان اصل و آزادی مطبوعات است که در قرن نوزدهم برای اولین بار مطرح شد. در هر صورت باید توجه داشت که اصل آزادی اطلاعات بیشتر به تحولات قرن بیستم و ظهور وسایل ارتباط جمعی مربوط است. از این جهت، می‌توان گفت که آزادی مطبوعات بیشتر ناظر بر آزادی‌های داخلی بوده، در حالی که اصل آزادی اطلاعات به عنوان اصلی بین‌المللی ظاهر شده و نتیجه شرایط ایجاد شده در صحنه‌های بین‌المللی قرن حاضر است. (Leboulanger, 2014, 231)

پس این آزادی، یک اصل برون مرزی و بین‌المللی است و در نتیجه بر اساس شرایط بین‌المللی و نیازها و ضرورت‌های اجتماعی در سطح بین‌الملل، وجود آن ضروری است. اصل آزادی اطلاعات، به عنوان حقی برای انسان‌ها نسبت به کسب با انتشار اطلاعات یک اصل فهرست مندرجات شرایط ایجاد شده در صحنه‌های بین‌المللی قرن حاضر است. (Leboulanger, 2014, 20)

پس این آزادی، یک اصل برون مرزی و بین‌المللی است و در نتیجه بر اساس شرایط بین‌المللی و نیازها و ضرورت‌های اجتماعی در سطح بین‌الملل، وجود آن ضروری است.

اصل آزادی اطلاعات، به عنوان حقی برای انسان‌ها نسبت به کسب با انتشار اطلاعات یک اصل پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است و جز در موارد معین در قانون و مقررات بین‌المللی، تابع هیچ ممنوعیت دیگری نیست. مع‌هذا، باید اذعان کرد که همین محدودیت‌های قانونی حاکی از آن است که این اصل نیز دارای اطلاق نبوده، بلکه با توجه به شرایط زمان و مکان دامنه اجرایی آن می‌تواند محدود گردد.

به زعم برخی آزادی اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات به عنوان مفهوم سنتی حقوق اطلاعات است. تمیز قائل شدن بین آزادی اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات بسیار پیچیده و نامفهوم و بی‌فایده است چرا که تفکیک آن سلیقه‌ای است و این دو مفهوم دارای فصل مشترکات بی‌شماری هستند.

مع‌هذا همین تفکیک، اساس نوعی تقسیم کار بین سازمان ملل متحد و یونسکو قرار گرفته است سازمان ملل تحت عنوان و آزادی اطلاعات، علی‌الاصول به جنبه‌های سیاسی - حقوقی مسأله پرداخته است و یونسکو به تدابیر عملی، جهت ترویج جریان آزاد اطلاعات توجه دارد.

بر این اساس، در فصول آتی این بخش به فعالیت‌های یونسکو تحت عنوان و تحولات در یونسکو و به فعالیت‌های سازمان ملل متحد تحت عنوان رویه مجمع عمومی سازمان ملل، پرداخته شده است.

۲- حق ارتباط

ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر، به طور کلی هر فرد برای ایجاد ارتباط با دیگران و انتقال پیام‌های خود به ایشان از وسایل مختلف استفاده می‌کند.

کمیسیون بین‌المللی بررسی مسائل ارتباطات در گزارش، شن مک براید ارتباط را این گونه تعریف می‌نماید: «ارتباط عبارت است از کار فردی و جمعی مبادله حقایق و عقاید در درون هر سیستم اجتماعی مشخص»، «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد گردد.»

برخی متخصصان ارتباطات، اطلاعات را محتوای ارتباط و نیز آنچه به مدد ابزارهای ارتباطی متقابل تبادل است، دانسته‌اند و ارتباط عبارت است از انتقال علائم بر روی یک مجرای ارتباطی به منظور رساندن یک پیام از منبع به مقید و اطلاعات عبارت است از محتوای ارتباط و خط ارتباطی است و یونسکو به تدابیر عملی، جهت ترویج جریان آزاد اطلاعات توجه دارد.

به طور کلی حق ارتباط، دارای ابعاد سه گانه است. این ابعاد نتیجه عینی سیر تحول پیدایش مفهوم حق ارتباط است که عبارت است از: ۱- حق ارتباط به عنوان حق آزادی عقیده و بیان. ۲- حق ارتباط تعمیم یافته، آزادی اطلاع دادن به دیگران و اطلاع یافتن را در بر می‌گیرد.

پیدایش این بعد از حق ارتباط مدیون تکامل و پیشرفت‌های رسانه‌های جمعی بوده است. ۳- حق ارتباط به عنوان محمل تعامل و گفتگو، دستیابی و مشارکت و بر عهده گرفتن تعهدات و مسئولیت‌ها.

این سه بعد از حق ارتباط، سه گروه از حقوق را به دنبال خواهد داشت ۱- حقوق فرد ۲- حقوق رسانه‌ها با ابزارهای ارتباطی ۳- حقوق جوامع محلی، ملی و بین‌المللی.

کنفرانس عمومی یونسکو در مورد حق ارتباط در اجلاس ۱۱ و ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در اتاوا تعریفی از حق ارتباط ارائه داد که نسبت به تعریف‌های پیشین منطقی‌تر به نظر می‌رسد: «هر کس از حق ارتباط برخوردار است. ارتباط یک فرآیند بنیادین اجتماعی است که به افراد و جوامع امکان مبادله اطلاعات و عقاید می‌دهد، حق ارتباط یک نیاز اساسی بشری و بنیان کل ساختار اجتماعی است، حق ارتباط به افراد و جوامع به طور کلی تعلق می‌گیرد.

مسئولیت‌ها و تعهدات ناشی از آن در این تعریف به چشم نمی‌خورد. لازم به ذکر است که حق ارتباط تا کنون در هیچ کنوانسیونی به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته و در نتیجه، تعریف کامل و مورد توافقی در این مورد وجود ندارد.

کمیسرین شن مک برای در گزارش نهایی خود به نیازهای عصر ارتباطات اشاره کرده است. از نظر این کمیسیون، نیازهای ارتباطی در یک جامعه دموکراتیک باید با گسترش حقوق خاصی، مانند حق مطلع شدن، حق اطلاع دادن، حق حفظ حریم شخصی، حق مشارکت در ارتباطات عمومی - که همه عناصر تشکیل دهنده یک مفهوم جدید، یعنی حق ارتباط هستند، تأمین کردند و در یک تعریف دقیق‌تر نیز تفاوت اطلاعات و ارتباط به شکل بهتری تبیین گردیده است: ارتباط به منزله «فرآیند مبادله اخبار، حقایق عقاید، پیام‌ها میان افراد و مردم، اطلاعات به منزله محصول، یعنی اخبار، آگاهی‌ها و سایر محتویات و اسفاده‌های گوناگون رسانه‌ها، فعالیت‌ها با صنایع فرهنگی.

بنابراین، اطلاعات و ارتباطات رابطه‌ای بسیار نزدیک و پیچیده با هم دارند و آن چنان با هم تلفیق شده‌اند که گاهی مجزا کردن آنها بسیار دشوار است. بنابراین باید آنها را به موازات هم بررسی و از توجه بسیار گسترده به هر یک به طور مجزا، اجتناب نمود.

در پایان این فصل، اشاره می‌داریم که اصل جریان آزاد اطلاعات و همچنین حق ارتباط امروزه دارای قدرت و توانایی لازم در سطح بین‌المللی می‌باشد تا حدی که می‌توان گفت تبدیل به میراث مشترک بشریت گشته‌اند و بشریت بدون این دو، اصلاً مفهومی متناسب با ضرورت‌ها و نیازهای اجتماعی امروز جامعه بین‌المللی نخواهد داشت و حیات بشر بستگی به جریان یافتن اطلاعات و ارتباطات دارد، تا بتواند شادابی و پویایی را لمس کند. در فصول آتی، پرتو این دو اصل از اصول بنیادین حقوق بشر را در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، عملکرد سازمان ملل متحد و رو به دولت‌ها را ملاحظه می‌نمائیم.

اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به جریان آزاد اطلاعات

یکی از مهمترین منابع حقوق بین‌الملل، معاهدات هستند که آنها نیز به دو بخش مهم معاهدات عام و معاهدات خاص یا منطقه‌ای تقسیم می‌شوند. برای جستار در هر موضوعی در حقوق بین‌الملل می‌بایستی راجع آن موضوع، ابتدا در حقوق معاهدات بررسی و تحقیق را شروع نمود. موضوع مورد بحث نیز فارغ از این مهم نمی‌باشد و برای شروع به بررسی و چگونگی تشکیل و انعقاد معاهدات و سیر تاریخی آن اشاره می‌کنیم و علاوه بر اشاره به عناوین آنها به بررسی محتوایی راجع به جریان آزاد اطلاعات می‌پردازیم.

اصل جریان آزاد اطلاعات در اسناد و کنوانسیون‌های مختلف به وضوح اشاره شده است و در سطوح مختلف تابعان فعال حقوق بین‌الملل به بهترین وجه از آن یاد کرده‌اند و تابعان منفعل حقوق بین‌الملل نیز به عالی‌ترین وجه، مهمترین نقش را در تحولات مربوطه داشته‌اند. در سطوح بین‌المللی می‌توان به اسناد بین‌المللی عام و خاص اشاره کرد.

۱- اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل عام

جریان آزاد اطلاعات در اکثر معاهدات به صورت اصل آزادی عقیده و بیان که به حق کسب و نشر آزادانه اخبار و اطلاعات تعبیر می‌شود، عنوان گشته است. از آن جمله در منشور سازمان ملل متحد که در مقدمه آن به حقوق بشر به عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عام (Erga Omnes) اشاره شده است.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ حق کسب و نشر آزادانه اخبار و اطلاعات به وضوح قابل احراز است. در ماده ۱۸ اعلامیه مذکور، اشاره شده است که بر آزادی فکر و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۹ نیز به آزادی عقیده و بیان اشاره می‌دارد و آزادی را در این حالت در کسب اطلاعات و اخبار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکنه و بدون ملاحظات مرزی، در نظر می‌گیرد. در ماده ۲۷ آن نیز به نوعی می‌توان اصل جریان آزاد اطلاعات را استنباط نمود. بدین گونه که اعلامیه جهانی حقوق بشر در این ماده داد سخن بر می‌آورد که هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی - اجتماعی شرکت کند و از فنون و هنرها متمتع شود و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد، شرکت در زندگی فرهنگی به نوبه خود تنوع فرهنگ‌ها را می‌طلبد تا بدین شکل با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم دیگر ملل آشنا شود و گامی در جهت تغییر کاستی‌ها و نقصان خود بردارد و از پیشرفت‌های علمی و تحقیقاتی دیگر ملل استفاده کند.

و در ماده ۲۹ اشاره شده است که هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد. در این ماده رشد شخصیت مهمترین مسئله برای بشر بیان شده است و جامعه را نیز در این رابطه موظف می‌دارد که برای بشر فعالیت لازم را در دستور کار خود قرار دهد.

آیا رشد آزاد و کامل شخصیت انسان در فقدان آزادی اطلاعات و اخبار میسر است؟ آیا در عصر ارتباطات بدون آزادی اطلاعات می‌توانه معنای واقعی حیات بشر را تضمین نمود؟ در پاسخ باید اشاره داشت، روشن و مبرهن است که جوامع بشری بدون آزادی اطلاعات و ارتباطات، راهی جز گمراهی نخواهد پیمود.

علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر دیگر اسناد بین‌المللی نیز این اصل را مورد تأکید قرار داده‌اند.

فهرست مندرجات یکی دیگر از مهمترین اسناد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی (۱۹۶۶) است که در مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ به آزادی اطلاعات به طور واضح اشاره نموده است.

در ماده ۱۸ اشاره به حق آزادی فکر، وجدان و مذهب و همچنین آزادی ابراز مذهب با معتقدات داشته است و در بند ۳ ماده ۱۸ نیز اشاره شده است که آزادی ابراز مذهب و یا عقیده را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود مگر آنچه را که منحصر به موجب قانون پیش‌بینی شده است و برای حمایت از امنیت و نظم، سلامت، اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

در ماده ۱۹ نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با صراحت بیشتری اصل آزادی اطلاعات را مورد تأکید قرار داده است و اشاره می‌دارد که حق آزادی بیان شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و انکار از هر نبیل بدون هیچ محدودیتی است.

از دیگر اسناد بین‌المللی بایستی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ نام برد که در مواد مختلف خود در این راستا قدم برداشته است. از آن جمله در بند ۴ ماده ۱۵ دولت‌ها را تشویق به توسعه همکاری‌ها در زمینه علمی و فرهنگی می‌نماید و دول عضو این میثاق نیز به فواید حاصل از تشویق و توسعه همکاری‌ها و تماس‌های بین‌المللی در زمینه علمی و فرهنگی اعتراف می‌کنند. می‌توان از مضمون این ماده نتیجه گرفت که این مهم به دست نمی‌آید مگر با برقراری اصل جریان آزاد اطلاعات، چرا که تنها از این رهگذر، دولت‌ها می‌توانند به توسعه همکاری‌ها و تماس‌های بین‌المللی خود در زمینه‌های علمی و فرهنگی ادامه دهند و در این راه بتوانند به پیشرفت‌های لازم نائل آیند.

سه سند بین‌المللی (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین) که در بالا به آنها اشاره داشتیم، از مهمترین موارد معاهدات حقوق بشری است. ولی بایستی اشاره نمود که از جمله اولین کنوانسیون‌های بین‌المللی در رابطه با جریان آزاد اطلاعات می‌توان از کنوانسیون بین‌المللی استفاده از پخش برنامه در خدمت صلح سال ۱۹۳۶ ژنو یاد کرد که در آن دول متعهد اشتیاق به استفاده از امکانات ناشی از ارتباطات برای تفاهم هر چه بهتر از طریق اعمال قواعد این کنوانسیون را خواستار شده‌اند.

در پایان این مبحث، باید اشاره کنیم که زیربنای اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین، سه اعلامیه؛ یکی اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹، دیگری اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ و بالاخره لایحه حقوق ایالات متحده، ۱۷۹۱ آمریکا بوده است که در مواد مختلف هر سه مورد فوق به اصل آزادی عقیده و بیان اشاره شده است که اصل جریان آزاد اطلاعات از لوازم آن است.

۲- اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل خاص

کنوانسیون‌ها و معاهدات منطقه‌ای نیز در این ارتباط به صراحت هر چه تمام، اصل جریان آزاد اطلاعات را بیان داشته اند.

در این مورد مهمترین آنها معاهدات منطقه‌ای حقوق بشری است که می‌توان از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مدل آمریکایی آن به عنوان مهمترین آنها یاد نمود.

در سطح اروپا ابتدا بایستی به اساسنامه شورای اروپا (۱۹۴۹) اشاره داشت که در قسمت تعهدات کلی، ماده ۳ آن اشاره می‌دارد که هر عضو شورا بایستی اصول مربوط به حکومت قانون و برخورداری همه افراد تحت صلاحیت خود از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بشر را بپذیرد.

مواد ۹ و ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز ذکر می‌نماید: «هر کس حق آزادی بیان را داراست و این حق شامل برخورداری از نظرات و حق دریافت و نشر اطلاعات است.»

در این مواد اشاره به حق آزادی بیان، اندیشه، وجدان و مذهب دارد و این حق شامل آزادی دارا بودن نظریات و دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها بدون مداخله مرجع دولتی و قطع نظر از مرزهاست.

مجمع مشورتی شورای اروپا در سال ۱۹۷۰ قطعنامه ۴۲۸ با عنوان «اعلامیه رسانه‌های ارتباط جمعی و حقوق بشر» را در این راستا به تصویب می‌رساند و در آن حق آزادی بیان را ناظر بر همه رسانه‌های ارتباطی می‌داند و این حق را شامل آزادی کنکاش، دریافت، ارسال، انتشار و پخش اطلاعات و عقاید می‌داند و حتی به دولتی که در قلمرو وی این برنامه‌ها پخش می‌شود، اجازه هیچگونه کنترل معنوی بر برنامه‌ها و اطلاعات و اخبار را نمی‌دهد.

در اسناد نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا سال ۱۹۷۵، مربوط به همکاری در امور آنان دوستانه و سایر زمینه‌ها، با یادآوری اهمیت بخش اطلاعات و نیاز به آشنایی بهتر با اطلاعات، دولت‌ها را به انتشار آزادانه و گسترده‌تر اطلاعات در همه انواع آن تشویق می‌کنند و همکاری در زمینه اطلاعات و تبادل اطلاعات با کشورهای دیگر اشاره می‌دارد.

در سطح آمریکا در ابتدا بایستی به منشور سازمان دولت‌های آمریکایی (AS) مورخ ۱۹۴۸ اشاره نمود که در ماده ۲۹ بیان می‌دارد: دول عضو، علم و تکنولوژی را از طریق نهادهای آموزشی و تحقیقاتی و برنامه‌های گسترده اطلاع رسانی توسعه خواهند داد و به طور قابل ملاحظه‌ای در تبادل اطلاعات بایستی تأکید داشته باشند.

فهرست مندرجات اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان ۱۹۴۸ نیز در مقدمه خود بالاترین بیان اجتماعی و تاریخی فرهنگ را توسعه معنوی جامعه می‌داند و فصول آن را وظیفه افراد جامعه و تکلیف نسر قرار می‌دهد، لذا می‌توان گفت اعتلای فرهنگ و در نتیجه توسعه معنوی اصل آزادی اطلاعات را می‌طلبد.

در ماده ۳ اعلامیه فوق نیز حق ابراز ایمان مذهبی خود را به طور آزادانه اشاره می‌دارد و در ماده ۴ حق آزادی تحقیق، عقیده و بیان و انتشار عقاید از هر طریق، آورده شده است. در ماده ۱۳ اشاره می‌دارد به اینکه: هر فرد دارای حق مشارکت و حیات فرهنگی جامعه، برخورداری از هنرها و مزایای پیشرفت نکر، بخصوص کشفیات علمی است.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ در مواد ۱۲ و ۱۳ خود اشاره به آزادی فکر و بیان و وجدان و مذهب برای بشر دارد. بند ۱ ماده ۱۳ اشاره می‌دارد، حق آزادی افکار و بیان را شامل آزادی دریافت و نشر اطلاعات و عقاید می‌داند.

در سطح آفریقا نیز به این مهم اشاره شده است که می‌توان از منشور سازمان وحدت آفریقا AU ۱۹۶۳ نیز نام برد.

منشور آفریقایی حقوق بشر (۱) ۱۹۸۱ نیز در بند ۱ ماده و بر اصل آزادی اطلاعات تأکید دارد و این حق را به رسمیت می‌شناسد.

- در سطح اسبانی نیز اعلامیه اتحادیه دول جنوب شرقی آسیا ۱۹۶۷ به حقوق آزادی بیان و عقیده در نتیجه جریان آزاد اطلاعات اشاره دارد.

حتی بایستی گفت سازمان کنفرانس اسلامی نیز از این مسئله غافل نشده است و در اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره ۱۹۹۰ بدین اصل اشاره داشته است. البته به شکلی دیگر که از مضمون آن می‌توان جریان آزاد اطلاعات را استنباط نمود. در بند الف از ماد، ۱ عقیده صحیح

را تنها تضمین برای رشد شرافت انسانی از راه تکامل آنان می‌داند و در بند ب از ماده ۲ استفاده از وسایلی که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد را ممنوع قلمداد کرده است. در ماده ۹ نیز فراهم ساختن امکانات برای دسترسی به حقایق هستی را وظیفه دولت و جامعه می‌داند و در ماده ۲۲ آزادی عقیده یا بیان را که معمولاً معرف یک فرهنگ خاص نیز است، مادام که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزاد می‌داند.

ضمن آنکه تحریک احساسات قومی، مذهبی یا هر نوع تحریک حس و تبعیض نژادی را جایز نمی‌داند (۳). از مجموع مواد فوق می‌توان استنباط نمود که وقتی ماده ۱ عقیده صحیح را تضمینی برای شرافت انسانی می‌داند، بایستی این عقیده صحیح از بین چندین عقیده مختلف و متفاوت انتخاب شود. پس باید آزادی بیان و عقیده جریان داشته باشد تا بتوان عقیده صحیح را انتخاب نمود و به همین منظور در ماده ۲۲ اشاره به آزادی عقیده، با بیان می‌نماید و همچنین وقتی در ماده ۲ استفاده از وسایل زائل کننده سرچشمه بشریت را ممنوع می‌نماید و در ماده ۹ دسترسی به حقایق هستی را مهمترین مسئله برای اعتلای بشریت می‌داند. می‌توان گفت که برای نیل به این مهم نیاز به جریان آزاد اطلاعات و ارتباطات می‌باشد تا بدین طریق بتوان با حقایق کشف شده آشنا گشت و در این راه به تعالی دست یافت و مهمترین موارد زائل کننده این مسئله، محدودیت‌هایی است که دولت‌ها برای جلوگیری از ابراز عقیده و آزادی بیان نسبت به ملت‌های خود وارد می‌آورند و اصل جریان آزاد اطلاعات را نقض می‌نمایند، که کاملاً این محدودیت‌ها مضموم و بر خلاف حقوق بشر می‌باشد.

نتیجه گیری

کارکردهای مهم ماهواره‌ها در زمینه های مختلف و دغدغه کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه از کارکردهای سیاسی و فرهنگی آنها، مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا در سال ۱۹۷۲ و در قطعنامه شماره ۲۹۱۶ خود بر لزوم تدوین اصول حاکم بر نحوه استفاده کشورها از ماهواره‌ها برای پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی تأکید نماید. همچنین در قطعنامه‌های بعدی از جمله در قطعنامه شماره ۳۵/۳۶ خود در ۱۸ نوامبر سال ۱۹۸۱ مقرر کرد تا در سی و هفتمین اجلاس سازمان ملل، توافقی در زمینه پیش‌نویسی که کوپوس^۱ به منظور تعیین اصول حقوقی حاکم بر پخش‌های مستقیم ماهواره‌ای تهیه کرده بود، در سطح بین‌المللی به عمل آید. سرانجام در سال ۱۹۸۲ و پس از مجادلات بسیار در سازمان ملل، قطعنامه اصول حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌های مصنوعی برای مخابره مستقیم بین‌المللی ۳۷/۹۲ با عنوان «اصول حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌های مصنوعی برای مخابره مستقیم بین‌المللی تصاویر تلویزیونی» تصویب شد. علی‌رغم آن که تا زمان تصویب قطعنامه مزبور اختلاف نظرهای عمیقی میان دولت‌ها وجود داشت اما خوشبختانه از سال ۱۹۸۴ به بعد، رویه بین‌المللی نشان می‌دهد که نه تنها نسبت به نفس آزادی پخش‌های مستقیم ماهواره‌ای هیچ گونه اعتراضی در قالب اسناد و مکاتبات دیپلماتیک دو یا چند جانبه مطرح نشده، بلکه حتی دولت‌های مخالف نیز خود اقدام به پخش‌های مستقیم ماهواره‌ای کرده و می‌کنند. به عبارت دیگر، جامعه بین‌الملل ی به دلیل مزایای پرشماری که این ابزار نوین ارتباطی در مقایسه با روش‌های سنتی داشته، در قبال آن تمکین کرده است. متأسفانه مسائل مرتبط با ماهواره‌های پخش مستقیم به همین جا ختم نشد و مرکزیت این وسیله ارتباط جمعی به عنوان منبعی اطلاعاتی موجب شد تا در ابتدا دولت‌ها کنترل آن‌ها را در اختیار بگیرند و از ماهواره‌ها در جهت اعمال قدرت استفاده کنند. به عبارت دیگر، تا پیش از سال ۱۹۸۲ میلادی، مؤسسات ماهواره‌ای دولتی تنها فعالان این عرصه محسوب می‌شدند و استفاده از این ابزار ارتباطی در جهت اهداف تجاری چندان متداول نبود. پس از این تاریخ بود که انحصارطلبی دولت‌ها در این زمینه شکسته شد و روند خصوصی سازی صنعت پخش و مقررات زدایی آغاز گشت. گرچه ظهور شرکت‌های پخش خصوصی ماهواره‌ای این نوید را می‌داد که نظام رسانه ای رقابتی‌تر شود و رضایت مخاطب بهتر جلب گردد، لیکن حاکمیت بازار عرضه و تقاضا بر آن‌ها سبب شد تا مخاطبان به مثابه مصرف کننده تلقی شوند و در نتیجه، اهداف متعالی‌ای همچون حمایت از دموکراسی و پخش عمومی اطلاعات که زمینه ساز باز شدن فضا به روی عقاید متفاوت و مشارکت دموکراتیک شهروندان در تصمیم سازی‌هاست و به اقلیت‌ها فرصت و امکان حفظ موجودیت و هویتشان را در اجتماعات بزرگ از طریق بیان آراء و نظرات می‌دهد، به ورطه فراموشی سپرده شود. مسأله‌ای که امروزه به تهدیدی جدی برای پخش‌های مستقیم ماهواره‌ای تبدیل شده است، سیستم‌های ضد ماهواره‌ای هستند که توانایی انهدام، آسیب رساندن و ایجاد اختلال در عملکرد ماهواره‌ها را دارند. فعلیت یافتن این تهدید فیزیکی علیه ماهواره‌ها، پس از اقدام دو کشور جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا در انهدام یکی از ماهواره‌هایشان سبب شد تا توجه جامعه بین‌المللی نسبت به این موضوع به دلیل روشن نبودن وضعیت حقوقی استفاده از آن در اسناد و عرف حقوق بین‌الملل فضایی و نیز منشور ملل متحد به عنوان سند مبنایی حقوق بین‌الملل عام معاصر جلب شود.

یکی از این ابزارها، ارسال پرازیت بر روی برنامه‌های ماهواره‌ای است. پرازیت به معنای ایجاد اختلال در سیگنال‌های رادیویی یا ماهواره‌ای است؛ به نحوی که عملکرد خدمات دهنده ارتباطات به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد، متوقف شود یا مکرراً قطع گردد. هرچند از نظر قواعد حقوق بین‌الملل، این شیوه رویارویی امری نامشروع تلقی شده و تجاوزی آشکار به آزادی بیان به شمار می‌آید اما با این حال، ضعف و ناکارآمدی مقررات اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور و معاهدات حقوق فضایی موجب شده است تا دولت‌ها همچنان از این ابزار سانسوری بهره ببرند. استفاده از این فن‌آوری نوین ارتباطی در شکل ماهواره‌های پخش مستقیم، سبب شد که نه تنها کنترل خطوط تلفن بلکه پخش برنامه‌های تلویزیونی در کشور فرستنده و دیگر کشورها در اختیار این ماهواره‌ها قرار گیرد و با ورود به حوزه اطلاعاتی دیگر کشورها و نفوذ در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن‌ها، امنیت کشورها با چالش جدی مواجه گردد.

^۱ (United Nations Committee on the Peaceful Uses of Outer Space) یا به اختصار (COPUOS) شورای ویژه در سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۵۹ به مدت کوتاهی پس از پرتاب اسپوتنیک تشکیل شد. این پیمان از بزرگترین پیمان‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد است و وظیفه آن ایجاد همکاری بین‌المللی در جهت استفاده صلح‌آمیز از فضای بیرونی جو زمین زیر نظر سازمان ملل متحد است.

مراجع

- ۱- محسنیان راد، م (۱۳۷۳) آنتن های ماهواره ای در آسیا و واکنش دولت ها، تهران، مجلس و پژوهش.
- ۲- محمودی، س ه (۱۳۹۳) حقوق بین الملل هوا و فضا، انتشارات سما.
- ۳- راعی، م (۱۳۸۶) مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از عملکرد افراد و گروه های عادی در پرتو رویه قضایی بین المللی، پایان نامه دکتری، رشته حقوق، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴- معتمدنژاد، ک، م، رویا (۱۳۸۶) (تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها) چاپ اول.
- ۵- ملک محمدی نوری، ح ر (۱۳۷۰)، قاره جنوبگان در حقوق بین الملل و جامعه بین المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۶- میرعباسی، ب (۱۳۷۹)، حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، تهران: نشر دادگستر.
- ۷- نواده توپچی، ح (۱۳۸۷) حقوق بین الملل فضا، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.

منابع خارجی

- 1- Dodge, Michael S, "Sovereignty and the Delimitation of Airspace: A Philosophical and Historical Survey Supported by the Resources of the Andrew G. Haley Archive", Journal of Space Law, vol. 35, 2009.
- 2- Lalive, Pierre, 2000, "Arbitration with Foreign states or state controlled entities some practical questions", in "Contemporary problems in International Arbitration". I. D. M new, Nijha IT publication.
- 3- Leboulanger, 2014, Le regime juridique des investissements petroliers en egypte, rev. egypt. doctrine international.
- 4- [Melvyn R. Durchslag](#), 2002, State Sovereign Immunity: A Reference Guide to the United States Constitution, Greenwood Publishing Group,.
- 5- Michael Stoffregen, 2007, Inferred explicit standard – waiver of sovereign immunity via an arbitration clause – Sokaogon gamigenterprise/ journal of dispute resolution. article 10